

مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی

دکتر رحمت اله مرزوقی*

یحیی صفری**

چکیده

هدف این مقاله بررسی مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی است. نویسنده ضمن بررسی مفهوم عقل و تربیت عقلانی، کوشیده است رویکرد تربیت عقلانی، مزایای آن و برخی از روش‌های پرورش عقل را مورد بررسی قرار دهد. این مقاله نشان می‌دهد که در منابع اسلامی به جنبه عقلانی انسان تأکید فراوان شده است. در برخی از روایات از عقل به عنوان رسول باطنی یاد شده است که هدایت تکوینی انسان در گرو آن است و از منابع اصلی شناخت به شمار می‌رود. همچنین در متون اسلامی بر لزوم تربیت عقلانی نیز تأکید شده است؛ تا جایی که تقویت جنبه عقلانی سبب هدایت به سمت حقیقت هستی می‌شود و عقل جز در بستر علم نمی‌روید و عالم شدن نیز مستلزم این است که فرد مورد تعلیم قرار گیرد. برای پرورش عقل، روش‌هایی در منابع اسلامی ذکر شده است که این روش‌ها توازن عقل را حفظ و راهیابی آن به سمت علم صحیح را میسر می‌سازد. این روش‌ها شامل روش‌هایی مانند روش تزکیه، روش تعلیم حکمت، روش تجربه‌اندوزی، روش عبرت‌آموزی و مشورت با خردمندان است.

واژه‌های کلیدی

عقل، تربیت عقلانی، روش‌های تربیت.

Email: rmarzoghi@yahoo.com

Email: ysafari@rose.shirazu.ac.ir

* عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شیراز

مقدمه

انسان موجودی است که می‌تواند از نیروی تفکر برخوردار باشد و به همین دلیل بر سایر موجودات برتری دارد. به طوری که سایر ابعاد وجودی وی، از جمله جنبه‌های عاطفی و اجتماعی او در حد وسیعی تحت سیطره جنبه عقلانی قرار دارد.

در اندیشه اسلامی نیز به پرورش جنبه‌های عقلانی در ساماندهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده است. به گونه‌ای که برخی اعتقاد دارند که از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی است (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۴۹). با این وجود، بعد عقلانی که به عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی‌گردد بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل نیاز به هدایت و تربیت دارد و اینجاست که تربیت عقلانی به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان، ضرورت پیدا می‌کند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۲)؛ چراکه، شرط توفیق تربیت در سایر جنبه‌ها مانند بعد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی انسان، معطوف به تربیت عقلانی است و برای تربیت بعد الهی و معنوی انسان نیز باید به تربیت عقلانی وی همت گماشت. در این مقاله کوشش می‌گردد تا مفاهیم و جایگاه عقل، اهمیت عقل، لزوم تربیت عقلانی، مفهوم تربیت عقلانی، رویکرد تربیت عقلانی و همچنین روش‌های تربیت عقلانی مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم عقل

مفهوم عقل دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است؛ به علاوه اصطلاحاتی در متون اسلامی به کار رفته‌اند که با مفهوم عقل مترادف‌اند. از نظر لغوی، عقل مخالف جهل است. راغب در المفردات می‌نویسد: «اصل عقل، امساک و نگهداری وضع چیزی است و به دو چیز گفته می‌شود: اول، به قوه‌ای که آماده قبول دانش است که اگر انسان نداشته باشد، تکلیف از او ساقط است. دوم، به علمی که انسان به وسیله این قوه کسب می‌کند و این همان چیزی است که قرآن کافران را به خاطر تعقل نکردن، مزمت کرده

است. در المنجد، عقل به معنای «درک» آمده است و عقل به‌عنوان نور رحمانی در نظر گرفته شده است که نفس با آن اموری را درک می‌کند که با حواس ادراک نمی‌کند (المنجد، ص ۵۲).

در تفسیرالمیزان کلمه عقل به معنای بستن و گره زدن آمده است و آن چیزی است که به وسیله آن خیر و شر و باطل و باطل تشخیص داده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۵۵). تعریف اصطلاحی عقل در برخی منابع به گونه‌ای متفاوت ذکر شده است. در این مورد عقل به معنای ملکه و حالتی نفسانی در نظر گرفته شده که انسان را به سوی انتخاب خیر و دفع و دوری از بدی‌ها و مفسدات دعوت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰۰).

این حالت نفسانی مراتبی دارد که انواع عقل را نیز رتبه‌بندی می‌کند؛ همچنین عقل به معنای نفس ناطقه به کار رفته است که آدمی را از سایر حیوانات متمایز می‌کند، در اینجا عقل، جوهری مجرد و غیرمادی است.

اصطلاحات دیگری معادل عقل در متون اسلامی ذکر شده است (ایمانی، ۱۳۷۸، ص ۴۶-۶۲). کلماتی همچون «نهی» به معنای عقلی که از محسوسات گذشته و به شناسایی معقولات توجه می‌نماید و آدمی را از کار بد نهی می‌کند؛ چنانکه در سوره طه آمده است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهْيِ؛ راستی در آنچه گفته شد، درس‌هایی برای خردمندان است» (طه، آیه ۵۴). «لب» به معنای «مغز» و در اصطلاح به عقل خالص اطلاق می‌شود. در سوره آل عمران آمده است: «وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ متذکر نمی‌شوند مگر صاحبان عقل» (آل عمران، آیه ۷). واژه دیگر «حجر» است که به معنای محل سنگ‌چینی شده می‌باشد؛ زیرا عقل، شخص را از خواسته‌های نفس منع می‌کند. در سوره فجر آمده است: «هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ؛ آیا برای صاحب عقل، سوگندی هست» (فجر، آیه ۵). «وسط» نیز به معنای عقل آمده است که به مفهوم «تعادل» است به این معنی که انسان عاقل متعادل است. در سوره قلم آیه ۲۸ آمده است: «قَالَ أَوْسَطُهُمْ» یعنی عاقل‌ترین آنها. واژه دیگر «حجی» است که به معنی جدا کننده انسان از کارهای زشت است.

واژه‌های معادل عقل در جدول شماره ۱ خلاصه شده است:

جدول شماره (۱): واژه‌های مترادف با عقل

واژه‌های مترادف با عقل	تعریف	شواهد متون دینی
نهیبه	عقلی که از محسوسات گذشته و به شناسایی معقولات توجه می‌نماید و آدمی را از کار بد نهی می‌کند	إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ (طه، آیه ۵۴ و ۱۲۹)
لب	به معنای مغز و در اصطلاح به عقل خالص اطلاق می‌شود	وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران، آیه ۶) لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (یوسف، آیه ۱۱۲)
حجر	به معنای محل سنگ‌چینی شده است زیرا عقل شخص را از خواسته‌های نفس منع می‌کند	هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ (فجر، آیه ۵)
وسط	به مفهوم تعادل است به این معنی که انسان عاقل متعادل است	قَالَ أَوْسَطُهُمْ (قلم، آیه ۲۹) وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا (بقره، آیه ۱۳۸)
حجی	به معنای جداکننده انسان از کارهای زشت است	لِيُحَاجَّوْكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره، آیه ۷۲)

چرا تربیت عقلانی اهمیت دارد؟

در متون اسلامی شرط صحت عبادت، داشتن معرفت و شناخت است و ابزار این شناخت عقل است، پس عقل جایگاه بالا و والایی در متون اسلامی دارد. در برخی از منابع ملاک هر امری را عقل دانسته‌اند. از دیدگاه حضرت علی (ع) ملاک هر امری عقل است «ملاک الامر العقل» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴) و از سوی دیگر ملاک ارجمندی و ارزشمندی انسان نیز محسوب می‌شود. ارزش عقل در اسلام تا حدی است که دینداری هرکس به اندازه خردمندی وی می‌باشد، عقل شرط تکلیف است و اگر انسان

عاقلاً نباشد طبعاً از نظر اسلام تکلیفی متوجه او نخواهد بود. پس عقل در منابع اسلامی جایگاه رفیعی دارد. برای اثبات این مورد دلایلی نیز ذکر می‌شود.

۱. عقل گرانمایه‌ترین نعمت و نخستین مخلوق الهی است. در اصول کافی روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: «اول ما خلق الله هو العقل؛ عقل در خلقت مقدم بر سایر مخلوقات است» (کلینی، ۱۳۶۳). در قرآن، خدای تعالی نعمت وجود پیامبر که عقل کل است را برای انسان‌ها منت می‌داند و تزکیه و تعلیم را، که موجب رشد و اعتلای عقل است، از وظایف پیغمبری ذکر می‌کند تا عقل‌های مردم را در جهت کسب حکمت رهنمون کند. در غررالحکم از قول علی (ع) آمده است: «لأنعمه افضل من عقل؛ هیچ نعمتی گرانمایه‌تر از عقل نیست» (شرح خوانساری، ۱۳۶۶). برخی از مفسرین در تفسیر آیه ۷۲ سوره احزاب: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» منظور از امانت را عقل دانسته‌اند که ملاک تکلیف و تشخیص ثواب از عقاب است. (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲۲، ص ۲۴۲).

۲. عقل رسول باطن و مورد خطاب خداوند است. عقل از دیدگاه اسلام، رسول و حجت خدا بر بندگان است. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «دو حجت برای انسان‌ها وجود دارد، یکی حجت ظاهر که انبیاء و ائمه‌اند و دیگری حجت باطن که عقول هستند». پس عقل حجت خدا بر مردم است.

شهید مطهری در مورد ارتباط عقل و نبی می‌نویسد: «اگر انبیاء باشند و عقل انسان نباشد انسان به راه سعادت خودش نمی‌رسد» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۹۱). پس شرط موفقیت رسالت انبیاء وجود عقل در انسان‌هاست. عقل چنان‌شأن و منزلتی دارد که می‌تواند مورد خطاب خداوند قرار گیرد و بدان وسیله نیز خدا با انسان تکلم می‌کند. در نهج‌البلاغه آمده است: «کلمهم فی ذات عقولهم؛ خداوند در ذات عقول انسانها با آنها گفتگو می‌کند» (نهج‌البلاغه، ص ۷۰۳).

بنابراین می‌توان استنباط کرد که عقل بشر در مرتبه‌ای از ارزش قرار دارد که مخاطب خدای تعالی قرار می‌گیرد و این دلیل اهمیت و اعتباری است که عقل در آئین اسلامی دارد.

۳. عقل از ادله اربعه است که اصول دین به وسیله آن شناخته می‌شود. در اسلام، عقل

اساس شناخت خدای تعالی است و ایمان آوردن آنگاه متحقق می‌شود که در نخستین گام عقل راه شناخت معبود را طی کرده و به وجود خدا اذعان و اعتراف داشته باشد. اصول اعتقادی اسلام باید با استدلال عقل پذیرفته شود، لذا اهمیت عقل تا جایی است که از ادله اربعه اثبات احکام فقهی است و برای مجتهد، شرط اساسی استنباط درست و توانایی بر آن، عقل است که بدون وجود آن، منابع دیگر کافی نیستند و سایر ادله متکی بر عقل اند.

۴. فضیلت عقل و عاقل و مذمت جهل و جاهل. از آنجا که اسلام برای عقل ارزش زیادی قائل است، عوامل زوال عقل را مذموم می‌شمارد؛ مثلاً میگساری، قمار، بهتان و غیبت که مخالف عقل هستند را حرام دانسته است. در قرآن آمده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ؛ بدترین موجودات آنها هستند که تعقل نمی‌کنند» (انفال، آیه ۲۲). زیرا به عامل فضیلت خود یعنی عقل توجه نکرده و آن را رها نموده‌اند. پیامبر(ص) در مقایسه بین عاقل و جاهل می‌فرماید: «خداوند چیزی برتر از خرد بندگان نیافریده است، خواب عاقل برتر از بیداری جاهل است. و روزه گشودن عاقل برتر از روزه داشتن جاهل است و بر جای ماندن عاقل برتر از به راه افتادن جاهل است» (ایمانی، ۱۳۷۸).

مفهوم تربیت عقلانی

«تربیت عقلانی عبارت است از ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان در درون هستی» (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۲). تربیت عقلانی بر ویژگی‌های انسان و کمال مقدر برای او از سوی خداوند متعال مبتنی است.

برخی تربیت عقلانی را مجموعه تدابیر و اعمالی می‌دانند که به‌طور منظم و سازمان یافته موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن در جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب فراهم می‌آورند (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۸). هدف‌های تربیت عقلانی شامل: پرورش قوه فهم آدمی نسبت به جایگاه خود در عالم هستی، تقویت قوه تحلیل برای شناخت رابطه انسان با سایر ابعاد خلقت، هدایت عقل به سوی تقویت

ایمان در فرد و دستیابی به حالتی که عقل و ایمان منطبق بر یکدیگر باشند و تفهیم اسرار خلقت و نسبت آن با خالق هستند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۰). بدیهی است که در این راه هرچه جنبه‌های معنوی تقویت شود و فضای روانی مناسب در او به وجود آید و نفس و تمایلات نفسانی بیشتر تعدیل شود، عقل و فکر رشد کرده و بیشتر توسعه می‌یابد.

هدایت انسان در گرو تربیت عقلانی

در میان استعداد‌های ویژه انسان، پرورش استعداد عقلانی از نظر اسلام در درجه اول اهمیت قرار دارد. از نظر شهید مطهری، اسلام یک دین طرفدار عقل است و به نحو شدیدی هم روی این استعداد تکیه دارد که نه فقط با آن مبارزه نکرده، بلکه از او کمک و تأیید خواسته است و تأیید خود را همیشه از عقل می‌خواهد؛ وی در ادامه بحث به آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر اشاره می‌کند که خداوند می‌فرماید: «بندگان مرا بشارت ده، آنان که سخن را استماع می‌کنند و تجزیه و تحلیل می‌کنند، خوب و بدش را می‌سنجند و بهترین آنها را انتخاب و پیروی می‌نمایند. اینها هدایت عقلی و الهی دارند و به معنای واقعی صاحبان عقل‌اند». استاد مطهری می‌گوید: «در اینجا انسان باید عقلش را به استقلال حاکم باشد، عقلش مستقل باشد، دارای قدرت نقد باشد و بتواند مسائل را تجزیه و تحلیل کند و انسانی که از این موهبت بی‌بهره باشد، هیچ است» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۹). به علاوه در تعلیم و تربیت، تعقل یکی از عوامل اساسی است که فرد نه تنها آنچه را که ارائه شده درک می‌کند بلکه به ارزیابی آن نیز می‌پردازد و نسبت به درستی یا نادرستی آن نیز قضاوت می‌کند. برخی پرورش قوه قضاوت صحیح و قضاوت مبتنی بر دلیل را اساس کار تعلیم و تربیت می‌دانند (شریعت‌مداری، ۱۳۶۸، ص ۹۹) که در این معنا، عقل به عنوان اساس تعلیم و تربیت اهمیت پیدا می‌کند. اسلام هم پایه خداشناسی را بر تعقل می‌گذارد و قواعد عقلی را در تعیین احکام و ارزش‌های اخلاقی مؤثر قلمداد می‌کند. امام رضا(ع) می‌فرماید: «عبادت به نماز و روزه بسیار نیست بلکه عبادت به تفکر در کار خدای عزوجل است و امام صادق(ع) می‌فرماید: «کسی که تعقل نکند رستگار نمی‌شود و کسی که دانشی ندارد تعقل نمی‌کند و آنکه

می‌فهمد بزرگوار خواهد شد» (همان، ص ۱۰۴).

در منابع اسلامی آمده است که خداوند پیامبران را برای هدایت بشر فرستاده و از آنان خواست تا عقول مردم را مورد خطاب قرار دهند و از راه عقل پیام وحی را دریافت کنند (ایمانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴-۳۵). در این باره حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند سبحان رسولان خود را برانگیخت و پیامبران خود را پیاپی به سوی مردم فرستاد تا از آنان بخواهد که عهد فطرت الهی را ادا کنند تا گنجینه‌های عقول آنان را برانگیزانند» (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۱، ص ۶). بنابراین آنچه که لازم است مورد تربیت قرار گیرد بعد عقلانی وجود آدمی است؛ چراکه بدون عقل دریافت وحی، امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر اگر فرد بخواهد به کمال انسانی و الهی خود دست یابد، باید تعقل را در خود پرورش دهد. از این نظر تربیت عقلانی ضرورت و اهمیتی اساسی پیدا می‌کند.

رویکرد مبتنی بر عقلانیت در تربیت دینی

رویکردهای مختلفی برای تربیت دینی وجود دارد. رویکردهای مبتنی بر عادت، شهود و عقلانیت از جمله معروف‌ترین آنهاست. بحث درخصوص سایر رویکردها از حوصله این مقاله خارج است؛ لذا به رویکرد سوم، یعنی تربیت دینی به روش عقلانیت پرداخته می‌شود. در این رویکرد بر عقل و معرفت عقلانی تأکید بسیار می‌شود و دین و دینداری با محک عقل سنجیده می‌شود، تا جایی که دین باید در ظرف عقل بگنجد و از صافی آن بگذرد. درباره ارتباط دین و عقلانیت، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. افرادی چون روسو و کانت بر این باورند که استقلال فرد در رویارویی با دین خاص، مستلزم این است که فرد در انتخاب دین و پذیرش آن تحت تأثیر علم، اجتماع و تجربه قرار نگیرد. عده‌ای همچون ارسطو، هگل، مک ایتنایر و چارلز نیز بر این باورند که رشد عقلانی رشدی سنت - محور است و فرد تنها در محدوده سنت‌های پیرامونی مانند دین، دست به انتخاب می‌زند (عطاران، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵).

در دینداری معرفت‌اندیش، گوهر ایمان از سنخ شناخت است. عاطفه و شور و

هیجان کم‌رنگ و آنچه مهم است شناخت و فهم است. بنابراین در این سنخ، دینداری گونه‌ای از رازهاست. اما نه راز به معنای دست‌نیافتنی بلکه به معنی معما و مشکلی عقلی که چالش با آن عین حیات عقلانی است، بنابراین تأکید اساسی بر شناخت و فهم است. منظور از عقل هم عقل نظری است که به تناسب دلیل و مدعا حساس است و نه اینکه صرفاً غایت‌نگر باشد و تنها به تناسب وسیله و هدف بیان‌دیشد. با ورود به عرصه معرفت‌اندیشی، جزم با شک و حیرت عوض می‌شود و با فاصله گرفتن از جزم، راه برای ورود به عرصه یقین هموارتر می‌شود. عبادت از نظر دیندار معرفت‌اندیشی، همین پرسیدن‌ها، بازپرسیدن‌ها، بازشناخت‌ها، شک کردن‌ها و اندیشه‌ورزی‌هاست. احتمالاً احادیثی همچون: «تفکر الساعه افضل من عبادة سبعین سنه» به همین گروه از دینداران اشاره می‌کند. مهارت دین‌ورز در کمال قوه عقل نظری اوست. عده‌ای ویژگی این نوع دینداری را در دلیلی بودن، تحقیقی بودن، اختیاری و انتخابی بودن و مبتنی بر واقعیات تاریخی و غیراسطوره‌ای بودن می‌دانند. در این شکل از دینداری، خداوند خود در چهره یک راز بزرگ عقلانی جلوه‌گر می‌شود و بندگان، چون رازگشایانی که حیرت‌زده جلال اویند. پیامبر چون معلمی حکمت‌آموز که درسی را درنهایت فشرده‌گی القا می‌کند و مؤمنان چون شاگردان وی که می‌کوشند سخنانش را عاقلانه فهم کنند (سروش، ۱۳۷۸).

در اینجا عقل دین‌ورزان مخاطب پیامبر است نه عاطفه آنان، پس به میزانی که اقناع عقلی حاصل کنند شاگردان مکتب او می‌شوند. کار پیامبر پیشنهاد قول احسن است، نه ایجاب و تحمیل، و کار مؤمنان قبول تسلیم به واسطه عقل است و نه صرفاً یک تسلیم عاطفی. تربیت ویژه این نوع دینداری تفکر است. با شخصیت‌های دینی‌اش می‌توان وارد گفتگو شد و سر بسته تقدیس نمی‌شوند و فوق سؤال و نقد نیستند و نقش افسانه‌ای به خود نمی‌گیرند. به همین سبب شخصیت‌پرستی که آسیبی جدی در تربیت دینی است و ممکن است منجر به تلقین و وجود رابطه‌ای کورکورانه میان مربی و یادگیرنده شود، در این دینداری جایی ندارد؛ زیرا استقلال سخن از سخنگو مشخص است و حقیقت با شخص سنجیده نمی‌شود، بلکه شخص دیندار با شناخت حق، اهل حق را می‌شناسد (نهج‌البلاغه فیض الاسلام، ۱۳۹۲ق). بنابراین در این صنف از

دینداری، یادگیرنده، مربی خویش را الگوی خود می‌داند و اعتمادی منتقدانه به او دارد. ظاهرسازی و تکیه بر ظاهر دین یا توجه به آئین‌ها و مناسک در این نوع تربیت، کمتر جایگاهی دارد و تأکید بسیار بر بینش و معرفت بنیادی آنهاست. فرد دیندار برای انجام دادن مناسک خویش پشتوانه عقلی و معرفتی دارد و انگیزه درونی او را وادار به انجام دادن آداب و مناسک می‌کند، بنابراین ریاکاری و ظاهرسازی در این دینداری کمتر دیده می‌شود و شخص دیندار فقط به دلیل مقدس بودن امور دینی از معیار و دلیل بی‌نیاز نیست. در این رویکرد، افراد، ضمن آشنایی با دینی خاص، ضمن حفظ استقلال خود می‌کوشند به آن التزام یابند، زیرا هر نوع التزام به دین لزوماً به معنی تلقین یا غیرعقلانی بودن آن نیست.

مزایای رویکرد عقلانی در تربیت دینی

رویکرد عقلانی به تربیت دینی از قابلیت‌ها و مزایایی برخوردار است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

۱. مانع ورود تلقین به تربیت دینی می‌شود.

اگر تلقین را فرایندی در نظر بگیریم که هدف اساسی آن انتقال مفاهیم، اطلاعات و فکر خاص به ذهن یادگیرنده است، به طوری که جذب و دریافت مفاهیم و اطلاعات موردنظر عاری از اندیشه، تأمل و دلیل خواهی و به دور از هرگونه چون و چرا باشد، بنابراین رویکرد عقلانی که به منزله تأکید بر وجوه مستدل و عقلانی پذیرش اطلاعات و مفاهیم طی فرایند تربیت دینی است، منطقاً از آلوده شدن تربیت دینی به تلقین جلوگیری می‌کند و در نتیجه تربیت دینی را در مسیر صحیح خود که همان عقلانی و مستدل بودن آن است، قرار می‌دهد.

رویکرد عقلانی در تربیت اخلاقی و دینی سبب پرورش تفکر و دوری از تلقین در دانش‌آموزان می‌شود، زیرا این عمل در تعلیم و تربیت مزایایی نسبت به رویکرد عاداتی دارد. از جمله به جای تلقین، دانش و به جای عادات، فهمیدن و معقول بودن را تحکیم می‌بخشد. به هر حال رویکرد عقلانی به تربیت دینی، امکان اقتناع عقلی و ذهنی آموزنده

نسبت به موضوعات و برنامه‌های تربیتی را فراهم می‌سازد و رفتارهای آموزنده را از استحکام و پایداری بیشتری برخوردار می‌سازد.

۲. داوری بین دین و خرافه را ممکن می‌سازد.

در فرایند تعلیم و تربیت اگرچه مربی باید دانش‌آموزان را به تفکر و نقد ترغیب کند، اما در کنار یادگیرنده، خود مربی نیز باید قدرت تحلیل و نقد را داشته باشد، به ویژه در حوزه موضوعاتی که در مقوله تربیت دینی باید آموزش داده شوند. هرگاه سخن از مقوله‌ای به نام تربیت دینی به میان می‌آید، پرداختن به نقد و تفکر کمی دشوار می‌نماید، زیرا گاهی موضوعات مورد اشاره در تربیت دینی دارای جنبه‌هایی از قداست هستند که پرداختن نقادانه و عقلانی به آنها، امری غیرممکن تلقی می‌شود؛ به همین دلیل فرایند تربیت دینی به سوی تلقین تمایل پیدا می‌کند و معلمان نیز به گونه‌ای منفعلانه نسبت به موضوعات مطرح شده اظهار نظر می‌کنند. اما با عقلانی کردن روند تربیتی دینی، نه تنها امکان تلقین و انفعال از میان می‌رود، بلکه رویکرد عقلانی با فراهم کردن زمینه تمیز و جداسازی میان منطق موجود در مسائل دینی و خرافات و جنبه‌های غیرعقلانی وارد شده به دین، امکان داوری و نقد را برای مربی و یادگیرنده فراهم می‌سازد. از دیدگاه موافقان رویکرد عقلانی به تربیت دینی، امکان انتقادی و عقلانی بودن فرایند تربیت دینی وجود دارد، زیرا دین ضمن توصیه به تعقل پیرامون بایدها، افراد را به تفکر و تعقل در مسائل دینی از امور گوناگون دعوت می‌کند. چنانکه از دیدگاه اسلامی، پذیرش اصول دین باید آگاهانه، عاقلانه و عالمانه باشد، نه از روی تلقین.

۳. از تحجر و خودمحوری جلوگیری می‌کند.

اساساً خودمحوری یکی از زمینه‌های آسیب‌رسان در مقوله تربیت دینی است؛ زیرا اگر خودمحوری به فرایند تربیت دینی رسوخ کند، نه تنها مانع تحقق اهداف واقعی آن می‌شود، بلکه ویژگی اساسی و مهم تربیت دینی که همان عقلانی و انتقادی بودن است را تضعیف می‌کند و زمینه‌های ورود جنبه‌های تلقینی را به فرایند تربیت فراهم می‌سازد. در خودمحوری، مربی فکر می‌کند که آنچه در اختیار اوست، حقیقت محض و مطلق

است و هرچه غیر از فکر و اندیشه اوست باطل است، چون این نوع خودمحوری با رویکرد دینی سازگار نیست؛ پس در افراد نیز تعصب به وجود می‌آورد و باب گفتگو میان طرفداران ادیان گوناگون را می‌بندد (باقری، ۱۳۸۰، ص ۵۷).

با اتکا به رویکرد عقلانی در تربیت دینی می‌توان از تحجر در فرایند تربیت دینی پیشگیری کرد. در آیات قرآن نیز یک‌جانبه‌گرایی بی‌چون و چرا، تأیید نشده است؛ چنانکه در سوره آل عمران آیه ۶۴ آمده است: «ای پیامبر! به اهل کتاب بگو، از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، متابعت کنیم، که به جز خدای یکتا، چیزی و کسی را عبادت نکنیم و برای او شریک قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم».

۴. رشد و شکوفایی استعداد عقلانی را میسر می‌سازد.

به طور کلی، خصیصه اندیشیدن، یکی از ویژگی‌ها و تمایزات برجسته انسان نسبت به دیگر موجودات است؛ به گونه‌ای که ارزیابی مقام و شأن آدمی در قرآن، به میزان تکامل عقلی و خرد او بستگی دارد. اگرچه عناصری چون تقوا و عبادت نیز در این ارزیابی سهم دارند؛ اما تقوا و عبادت نیز بدون تعقل و تفکر شأن چندانی ندارند. بر این اساس، می‌توان گفت که مقام واقعی انسان، در گرو مقام فکر و عقل اوست. بیشتر فیلسوفان اسلامی معتقدند که هدف از خلقت انسان، تربیت و شکوفایی عقلی اوست (زیباکلام، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰). عقل آدمی در حکم میزان است و درست و نادرست و خیر و شر را تمییز می‌دهد. تلاش‌ها در تربیت عقلانی باید به این سمت حرکت کند که عوامل منحرف سازنده این میزان را تحت کنترل خود درآورد و در این صورت حاصل آن یعنی هدایت به بار خواهد نشست. عقل آدمی خود هدایت‌کننده است؛ به زعم علامه طباطبایی، قرآن تنها به آنچه مردم بر حسب عقل فطری خود درمی‌یابد، فراخوانده است و به نحوه ادراکی که در همه انسان‌ها وجود دارد، اعتماد کرده است. با همین نحوه ادراک است که انسان‌ها از اثر به مؤثر و از ملزوم به لازم پی می‌برند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲۵۵).

بنابراین عقل موردنظر، نه عقل فلسفی، بلکه عقل مورد تأیید دین و در راستای اهداف تربیتی دینی است. تنها با رویکرد عقلانی است که می‌توان به شکوفایی عقلی در

فرایند تربیت دینی دست یافت. هدف تربیت دینی نیز فهم عالمانه، محققانه و تعقلی مسائل دینی و در نتیجه انجام دادن رفتارهای دینی به گونه‌ای آگاهانه است، که رویکرد عقلانی به تحقق این اهداف کمک می‌کند.

۵. امکان دستیابی به الگوهای دینی را فراهم می‌کند.

یکی از ویژگی‌های اساسی فرایند تربیتی دینی، بنا نهادن الگوهاست. این ویژگی در تربیت دینی بیش از فرایندهای تربیتی دیگر است. الگوهای مطرح شده در تربیت دینی نیز الگوهای دینی هستند که عموماً با تقدس همراه می‌باشند. این الگوها در سطوح متفاوت قابل طرح‌اند؛ از پیامبران الهی، تا امامان و معصومین (ع) و مؤمنان و... که هر کدام اثرات خاص خود را بر ذهن و رفتار یادگیرنده به جای می‌گذارند. شاید یکی از دلایل سخت و پیچیده بودن تربیت دینی و ماندگارتر بودن رفتارهای متأثر از تربیت دینی، تأثیری است که این الگوها بر انسان‌ها به جای می‌گذارند که در جای خود از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردارند. اسوه حسنه‌ای که قرآن درباره پیامبر گرامی اسلام (ص) متذکر می‌شود، دلیل بر ضرورت اثرپذیری از این الگوی متعالی است. اما متأسفانه در فرایند تربیت دینی، این الگوها کمتر عقلانی و دست‌یافتنی جلوه می‌کنند و بیشتر جنبه تحمیلی و عارضی به خود می‌گیرند و به گونه‌ای اسطوره‌ای مطرح می‌شوند که نه تنها دستیابی به آنها، بلکه پیروی از آنها نیز سخت می‌نماید. اسطوره جلوه دادن الگوها و بزرگان دینی، سبب عدم الگوگیری واقعی از آنان می‌شود (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳). البته یکی از آسیب‌های تربیت دینی را می‌توان در زمینه مذکور جستجو کرد که متأسفانه سبب نفی الگوگرایی معقول می‌شود، مانند آنچه امروزه پست‌مدرنها از آن برای نفی پدرسالاری بهره می‌گیرند. رویکرد عقلانی، الگوهای تربیتی را عقلانی و دست‌یافتنی جلوه می‌دهد و امکان الگوگیری بهتر را برای یادگیرندگان فراهم می‌کند.

روش‌های تربیت عقلانی

همان‌گونه که بیان گردید توجه به پرورش بعد عقلانی انسان در منابع اسلامی از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار است. به واسطه عقل است که انسان رشد می‌کند و به سمت کمال سیر می‌نماید؛ لذا پرورش عقلانی و فکری می‌تواند انسان را از لغزشگاه‌ها مصون دارد؛ بدین منظور، بعد عقلانی را باید تقویت کرد تا آدمی به حقیقت حقه هستی هدایت یابد. از دیدگاه قرآن عقل جز در بستر علم پرورش نمی‌یابد و برای عاقل بودن باید علم و معرفت لازم کسب گردد، اما در عین حال باید اذعان نمود که هر عالمی عاقل نیست. در این باره قرآن کریم می‌فرماید: «... وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ؛ جز عالمان کسی بر تعقل در باب امور نخواهد پرداخت» (عنکبوت، آیه ۴۳). از این بحث نتیجه می‌گیریم که آنچه مورد خطاب خداوند است و انسان در قبال آن تکلیف و مسئولیت دارد، بعد عقلانی وجودی آدمی است؛ به گونه‌ای که می‌توان اذعان نمود که انسان فاقد عقل بازخواست ندارد و به همین دلیل پایه‌ی خداشناسی بر تعقل است. پیامبران الهی نیز برای بیدار کردن فطرت و توانایی‌های درونی آدمی و تربیت عقلانی انسان‌ها مبعوث شده‌اند و کمال انسانی نیز در پرتو پرورش عقلانیت اوست.

در منابع اسلامی روش‌هایی برای تربیت عقلانی ذکر شده است که در این مقاله به برخی از این روش‌ها اشاره می‌گردد.

۱. **روش تزکیه:** تن دادن به هوس‌ها و پیروی از هوا موجب می‌گردد که عمل شنیع، نیک و عمل نیک، زشت جلوه داده شود. چنانکه قرآن می‌فرماید: «رُئِيَ لَهُ سُوءٌ عَمَلِهِ فَرَأَاهُ حَسَنًا» (فاطر، آیه ۸). از این رو، یکی از روش‌های زمینه‌ساز تربیت عقلانی در اسلام مهار طغیان‌های نفسانی است. برای مهار این طغیان‌ها مواردی از جمله عدم پیروی از هوا و هوس، دوری از عجب، و پرهیز از خشم و غضب و مانند آن توصیه شده است. چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با شهوت خود جهاد کن، بر غضب خویش غلبه نما و با عادت بد خود مخالفت‌ورز تا نفست پاکیزه گردد و عقلت کامل شود» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷).

۲. **روش تعلیم حکمت:** در تعلیم حکمت مشی قرآن بر منوالی است که از مراحل می‌مانند مواجهه حسی، اندیشه‌ورزی، ارزیابی اندیشه‌های سست و استدلال، سخن به میان می‌آید. داستان حضرت ابراهیم (ع) و درهم شکستن بت‌ها و قرار دادن تبر بر دوش بت

بزرگ، مثال روشنی از این روش است که در قرآن ذکر شده است.

۳. روش علم‌آموزی: فراگرفتن علم، رشد عقل را در پی دارد و شرط تعقل مطلوب نیز بهره‌گیری از علم است؛ چنانکه پیشتر شواهدی در متون دینی مطرح گردید. در این باره علی (ع) می‌فرماید: «العقل عقلاَن: مطبوع و مسموع» و عقل مسموع از طریق کسب علم و معرفت رشد می‌یابد و در جای دیگر حضرت، علم را ناظر بر روشنایی عقل می‌داند: «العلم..... منیر اللب» (همان)

۴. روش تجربه‌اندوزی: تجربه عبارت است از تعامل فرد با محیط و هرچه این تعامل بیشتر شود، شرایط مناسب‌تری برای رشد عقل فراهم می‌گردد. چنانکه علی (ع) می‌فرماید: «وفی التجارب علم مستألف» (ایمانی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱)، یعنی از تجربه دانش تازه بدست می‌آید پس باید فرد را در معرض تجربیات مفید قرار داد تا باعث رشد عقلانی وی گردد. تجربه باعث پختگی فرد می‌شود و از اشتباهات وی می‌کاهد و موجب می‌شود که فرد کمتر از شیوه آزمایش و خطا استفاده کند. در الحدیث از قول علی (ع) آمده است که: «من لم یجرب الامور خدع؛ هرکس که امور را تجربه نکند، فریب می‌خورد» (مزید، ص ۳۱۴)؛ لذا می‌توان گفت که تجربه بر علم و اطلاعات آدمی می‌افزاید و او را در عمل کارا تر می‌کند.

۵. روش عبرت‌آموزی: از عوامل دیگری که بر تربیت عقلانی تأثیر دارد و در منابع اسلامی به‌ویژه قرآن کریم بارها از آن یاد شده است، عبرت‌آموزی است. در سوره حشر آمده است: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ؛ ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید» (حشر، آیه ۲). این آیه می‌رساند که اسلام در جهت ترغیب مسلمانان به عبرت گرفتن از امور و رویدادها، آنان را به این امر تشویق کرده است. علی (ع) در روایتی بر فایده عبرت گرفتن تأکید می‌کند و آن را مایه بصیرت می‌داند و می‌فرماید: «دوام الاعتبار یودی الی الاستبصار؛ استمرار در عبرت گرفتن آدمی را به سوی بصیرت سوق می‌دهد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۳۸، به نقل از ایمانی ۱۳۷۸) و در ادامه می‌فرماید: «فی کل اعتبار استبصار» در هر عبرت‌گیری بصیرتی نهفته است و ثمره بصیرت نیز فهم و کسب علم است؛ لذا می‌فرماید: «من اعتبر ابصر و من ابصر فهم علم؛ هرکس عبرت گرفت بصیرت

یافت و هر کس بصیر شد، فهیم شد و هر کس فهیم عالم می‌گردد» (همان).
۶. مشورت با خردمندان: در منابع اسلامی مشورت با خردمندان به عنوان عامل رشد عقل و خرد یاد شده است. قرآن کریم در آیاتی به مشورت سفارش می‌کند و آن را به عنوان دستوری که مسلمانان باید به‌کارگیرند، بیان کرده است و می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ در کارها با یکدیگر مشورت کنید» (آل عمران، آیه ۱۵۹). در آیه دیگری می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ؛ در کارهایشان در بین خود مشورت کنند» (شوری، آیه ۳۸).

ایمانی (۱۳۷۸) به نقل از مجمع البیان می‌گوید: «در ذیل آیه وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ این روایت آمده است که رسول خدا(ص) فرمود: «هیچ مردی با کسی مشورت نمی‌کند مگر آنکه به‌سوی رشد هدایت می‌شود». امام علی(ع) در اهمیت مشورت و تأثیر آن بر شناخت راه صواب می‌فرماید: «من شاور ذوی الالباب دل علی الصواب؛ هرکس با خردمندان مشورت کند به آنچه ثواب است راهنمایی شود» (ایمانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵).
 سعدی نیز در باب اهمیت و ارزش مشاوره در تشخیص امر صحیح می‌گوید:

با یکی دوسه‌کس مشاوره کن در اموری که پرخطر بینی
 با یک آئینه روبرو نگری با دو آئینه پشت سر بینی
 (کلیات سعدی به تصحیح فروغی)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در منابع اسلامی به جنبه عقلانی انسان و لزوم تربیت این بعد از ابعاد وجودی انسان تأکید فراوان شده است. در منابع اسلامی کلماتی در معنا و مفهوم عقل آمده است، از جمله: عقل، لب، حجر، وسط، نهیه و حجتی است که جملگی معنا و مفهوم عقل را می‌رساند. در منابع اسلامی عقل اهمیت زیادی دارد، تا جایی که شرط صحت عبادت داشتن عقل است و آنچه که مورد خطاب خداوند است، جنبه عقلانی وجود انسان است و پیامبران نیز برای بیداری عقل انسان‌ها برانگیخته شده‌اند و مخاطب اصلی آنها عقل انسانهاست. در برخی از روایات از عقل به عنوان رسول باطنی یاد شده است که هدایت تکوینی انسان در گرو آن است و از منابع اصلی شناخت به شمار می‌رود. گرچه

عقل انسان در متون اسلامی به عنوان وسیله هدایت انسان‌ها تلقی شده است، اما بدون تربیت و هموار کردن راه رشد آن، به تکامل نمی‌رسد؛ لذا در منابع اسلامی بر لزوم تربیت عقلانی تأکید شده است؛ تا جایی که تقویت جنبه عقلانی سبب هدایت به سمت حقیقت هستی می‌شود و عقل جز در بستر علم نمی‌روید و عالم شدن نیز مستلزم این است که فرد مورد تعلیم قرار گیرد. رویکرد عقلانی به تربیت اسلامی دارای مزایایی است که در این مقاله به آن اشاره شد. برای پرورش عقل، روش‌هایی در منابع اسلامی ذکر شده است که این روش‌ها توازن عقل را حفظ و راهیابی آن به سمت علم صحیح را میسر می‌سازد. این روش‌ها همان‌گونه که در منابع اسلامی آمده‌اند، شامل روش‌هایی مانند روش تزکیه، روش تعلیم حکمت، روش تجربه‌اندوزی، روش عبرت‌آموزی و مشورت با خردمندان است.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۴). تهران: انتشارات گلشن، چاپ اول.
 قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام (۱۳۹۲ق). تهران.
 نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۸). چاپ شانزدهم.
- آمدی، عبدالواحد بن تمیمی (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*، شرح جمال‌الدین خوانساری، کلمات قصار امیرالمومنین (ع)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ایمانی، محسن (۱۳۷۸). *تربیت عقلانی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- باقری، خسرو (۱۳۷۷). «اصولی در باب معارف اسلامی»، *مجله رشد آموزش معارف اسلامی*، شماره ۳۶.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰). «آسیب و سلامت در تربیت دینی»، *کتاب تربیت اسلامی*، شماره ۵، تهران: نشر تربیت اسلامی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ نهم.
- بهشتی، سعید (۱۳۷۹). *روش‌های تربیت عقلانی در سخنان امام علی (ع)*، مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع). تهران: نشر تربیت اسلامی.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۸۰). *فلسفه تعلیم و تربیت*، جلد اول، تهران: سمت.
- حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۴). *اصول روان‌شناسی اسلامی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- زیباکلام، فاطمه (۱۳۷۹). *مبانی فلسفی آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات ایران.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۴). *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، نشر محمد، چاپ یازدهم.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۸۰). «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش با تربیت دینی»، *کتاب تربیت اسلامی*، شماره ۶، تهران: نشر تربیت اسلامی.

- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۴). *تفسیر المیران*، ترجمه سید محمدباقر موسوی، جلد‌های ۴، ۵ و ۲۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عطاران، محمد (۱۳۸۰). «دو رویکرد در تربیت دینی»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۱)، *احیاءالعلوم*، جلد ۳، تهران: موسسه فرهنگی سروش.
- فاضل‌الجمالی، محمد (۱۳۵۴). *فلسفه تربیتی اسلام*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات سرور.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *اصول کافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*، بیروت: چاپ موسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*، ترجمه رضا شیخی، تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث، قم: دارالحدیث.
- مزید، مرتضی (گردآوری). *الحدیث*، مجموعه احادیث، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *انسان کامل*، قم: انتشارات صدرا، چاپ سوم.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹). *تربیت عقلانی در نهج البلاغه و ودالات‌های آموزشی آن*، کتاب چهارم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
- المنجد الطلاب* (بی‌تا). بیروت: دارالمشرق.

